

## جایگاه مبارزات سازمان یافته کارگران هفت تپه

ناصر اصغری

یازدهم خرداد هشتاد و هفت

بخش اعظم اعتراضات کارگری در ایران در چند سال اخیر، اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها بوده است. این اعتراضات تا حد زیادی پراکنده و بخش زیادی از آنها خودانگیخته و فاقد سازماندهی درخور توجهی بوده اند. اعتراضات به سیستماتیک بودن این مسئله نبوده است؛ گرچه مواردی نیز چنین است. در این بین هفت تپه نمونه ویژه، استثنائی و جالبی بوده است. هیچ درجه از وحشیگری هیچ رژیم می نیز قادر نیست از بروز چنین اعتراضاتی جلوگیری کند. این اعتراضات معمولاً با وعده و وعیدهای دست اندرکاران و مقامات مسئول و بمرور زمان با ایزوله، اخراج و یا دستگیری "عناصر مسئله ساز" در بین کارگران فیصله می یابد و آنها از آسیاب می افتد و برای دوره ای سر و صداها می خوابد. در تقابل با چنین وضعیتی، هر رژیمی که سعی کند از بروز چنین اعتراضاتی بطور کلی جلوگیری کند، با آتش بازی می کند. این نه تنها در مورد ایران صادق بوده، بلکه تاریخاً رژیم هائی که از پرداخت دستمزدهای کارگران به هر دلیلی عاجز و قاصر بوده اند، چنین اعتراضاتی را تحمل کرده و به آن تن داده اند.\* پائین تر به این موضوع برخواهم گشت. اما ابتدا اجازه بدهید به يك نمونه خارج از مرزهای ایران اشاره کنیم.

### هفت تپه، تاگلیاتی ایران

معمولاً برای مقایسه اعتراضات رزمنده و موفق کارگری در کشور خاصی با جنبش کارگری روسیه، به مبارزات کارگران دهه اول و دوم قرن گذشته اشاره می شود نه معاصر. چرا که جنبش کارگری معاصر روسیه روزه های امید چندانی را به ما نشان نداده است. اما روسیه وسیع ترین کشور جهان است، با اعتصابات و اعتراضات کارگری زیادی که بخش عمده ای از آنها متأسفانه از چشم بسیاری از ما پوشیده می ماند. زمانی که هنوز کارگران ایران در يك چنین سطح گسترده ای با عدم پرداخت دستمزدهایشان روبرو نبودند، کارگران روسیه معاصر با چنین مسئله ای دست به گریبان بودند و طبیعتاً اعتراض بر علیه آن هم جزئی از آن دوره بود.

تاگلیاتی (Togliatti) شهری است در روسیه با جمعیتی حدود ۷۵۰ هزار نفر، واقع در ۸۵۰ کیلومتری جنوب شرقی مسکو. VAZ ("واز" کارخانه ماشین سازی ولگا) که بزرگترین کارخانه ماشین سازی جهان با چیزی حدود ۱۰۰ هزار کارگر، در این شهر قرار گرفته است. امروزه، حتی با اصلاحات زیادی که در این کارخانه شده است، کمابیش بیش از ۷۰ درصد از وسائل نقلیه مسافربری ای که در روسیه تولید می شوند، تولیدات این کارخانه هستند. این کارخانه، همانند تقریباً بخش اعظم کارخانجات دیگر در روسیه سال های اول بعد از فروپاشی بلوک شرق، دارای يك اتحادیه و نهاد تازه تأسیس دیگری بنام "شورای مجموعه کارخانه" (council Work-collective) بود. این دو نهاد هر چه بودند، در چشم کارگران قطعاً يك چیز نبودند؛ نماینده کارگران! با این وجود ۹۰ درصد پرسنل "واز" - شامل کارگران، مهندسين و

متخصصین، و کارفرمایان و مدیران (بغیر از اصلی ترین مدیرها) - عضو این اتحادیه (اتحادیه ماشین سازی ولگا) بودند. در زمان جنگ و جدال کارگران بر سر دستمزدهای پرداخت نشده شان، کارگران کارخانجات زیادی، در جواب به بی اعتنائی و همدستی اتحادیه های موجود با مدیریت کارخانه های مربوطه، دست به درست کردن "اتحادیه های آلترناتیو" می زدند؛ گرچه بدلائل زیادی این اتحادیه های آلترناتیو - و بخصوص در بخش ماشین سازی - هیچ وقت نتوانستند بیش از ۵ درصد از کارگران کارخانه مربوطه را سازمان دهند. در میان همین اتحادیه های آلترناتیو، "اتحاد"، اتحادیه آلترناتیو در "واز"، موفقترین این اتحادیه ها بوده است.

از ۱۰۰ هزار کارگر "واز"، ۲۰۰ تن در سپتامبر سال ۱۹۹۰ در يك گردهمائی تصمیم به تشکیل "اتحاد" می گیرند. يك دهه بعد این عدد به ۳۵۰۰ رسید. اساسنامه "اتحاد" هر کسی که در مقوله مدیریت بگنجد را از عضویت خود منع می کند. در بحران بعد از شکست بلوک شرق و بلبشویی که بر جامعه روسیه آن زمان حاکم بود، آنچه را که شرکت کنندگان در اولین گردهمائی ب فکر تشکیل "اتحاد" انداخت، ایجاد تشکلی بود که از منافع کارگران دفاع کند! تشکلی که مستقل از مدیریت و منافع مدیریت باشد و منافع کارگران را نمایندگی کند. برخلاف اتحادیه رسمی "واز" که کارش سازمان دادن فعالیت هائی چون گلگشت و مسابقات ورزشی است و در هر کشمکشی بین کارگران و مدیریت، منافع "کارخانه" را مد نظر دارد!

اولین اعتصاب سازمان داده شده توسط فعالینی که بعدها "اتحاد" را بنیان گذاشتند، چند ماه بعد از اعتصاب ۴۰۰ هزار نفره معدنکاران اوکرائین در سال ۱۹۸۹ سازمان داده شد. "پرستوریکا" در کنار بسیاری از اصلاحاتی که قرار بود به جامعه شوروی معرفی کند، اصلاحاتی را به دستمزد کارگران نیز معرفی کرد که موجب نارضایتی بسیاری از آنها شد. دستمزد کارگران که با احتساب انعام و جوایز متعدد نسبتا در سطح نه چندان بدی بود، با معرفی اصلاحات پرستوریکا به شدت افت کرد. اعتصابات این دوره معدنکاران [Kuzbass](#) اوکرائین و همچنین اعتصاب در "واز"، اعتراضی بود به وضعیت جدید.

در "واز" در همین سال، بعد از جلسه ای در بین تعدادی از فعالین کارگری، بحث های ارائه شده و تصمیمات گرفته شده در جلسه به اطلاع مدیریت رسید. يك اعتصاب ۲ ساعته اختاری اعلام گردید. خواست کارگران عبارت بودند از: افزایش دستمزدها بطور کلی، افزایش ۳۰ درصد دستمزد برای کارگران یکی از بخش ها، معرفی [indexation](#) (افزایش دستمزد به نسبت تورم) به دستمزدها و دریافتی های بیشتر برای کارهای شاق و طاقت فرسا. مدیریت برای شکست این اعتصاب به هر کاری دست زد، از جمله نشان دادن يك فیلم پورنوگرافیک بر صحنه بزرگی که بالای محله تجمع کارگران قرار گرفته بود! هیچکدام از تاکتیکهای مدیریت کارساز نشد. بعد از استراحت ناهار در همین روز، بیش از ۲۰ هزار تن از کارگران تصمیم گرفتند که به اعتصاب بپیوندند. برای جلوگیری از به درازا کشیده شدن این اعتصاب، مدیریت سریعا به تمامی مطالبات کارگران، بجز معرفی [indexation](#) تن داد. لازم به ذکر است که این حرکت کارگران توسط "شورای مجموعه کارخانه" مورد حمایت قرار گرفت، اما اتحادیه "واز" از آن حمایت نکرد.

از این اعتصاب تا اعتصاب مهم بعدی در سال ۱۹۹۲ که توسط "اتحاد" سازماندهی شد، اتفاقات دیگری در "واز" افتاد که باعث شاخ بشاخ شدن "اتحاد" با مدیریت و نهادهای کارگری طرفدار مدیریت شد. همه این شاخ بشاخ شدن ها مربوط به دفاع از حقوق اولیه کارگران و بر سر نمایندگی کارگران بود. اما اعتصاب ماه آوریل سال ۱۹۹۲ هم صد

درصد **indexation** را به مدیریت تحمیل کرد و هم ۴۰ درصد افزایش دستمزد را. ابتدا مدیریت با همکاری دو نهاد رسمی کارگری در "واز" و نهادهای دیگر سر به دولت و مدیریت به تاکتیک های مختلفی برای ارباب کارگران دست زد تا از جواب مثبت دادن کارگران به فراخوان "اتحاد" جلوگیری کند. اما در آخرین دقایق نزدیک شدن به اعتصاب و زمانی که متوجه شد کارگران زیادی تصمیم گرفته اند به فراخوان "اتحاد" جواب مثبت بدهند، عقب نشینی کرد و به تمامی مطالبات کارگران تن داد.

نکته دیگری که در این رابطه حائز اهمیت است، دست رد زدن بر سینه نهاد تازه تأسیس "شورای مجموعه کارخانه" از طرف "اتحاد" بود. شناخت این نهاد برای فعالین زیادی پس از طی تجاربی بدست آمد. بقول اولین رئیس "اتحاد"، بخش زیادی از فعالین کارگری در "واز"، اتفاقاً بجای پیوستن به "اتحاد" ابتدا جذب این نهاد تازه تأسیس گردیدند. فعالین "اتحاد" وظیفه این نهاد تازه تأسیس را چیزی شبیه به تجربه "رقابت سوسیالیستی" در شوروی می دانستند که کارگران را به تولید بیشتر برای رسیدن به سهمیه تعیین شده برای کارخانه ترغیب می کردند، بدون اینکه کارگران هیچگونه دخالتی در سرنوشت این کارخانه ها داشته باشند. این نهاد تازه تأسیس این تصور را در ذهن بسیاری از کارگران و بخصوص فعالین کارگری جا می انداخت که گویا کارگران در سرنوشت کارخانه دارای قدرت تصمیم گیری هستند. "اتحاد" این تصویر کاذب را رد کرد و گفت که کارگران فقط می توانند در بیرون از تصمیمات مدیریت بر سرنوشت کارخانه تأثیر بگذارند! (اجازه دهید اینجا این نکته را نیز، قبل از اینکه قند در دل کسی آب شود، اضافه کنم که قریب به اتفاق اتحادیه های آلترناتیو، از جمله "اتحاد" از سیاستهای یلتسین حمایت می کردند. نوشتن در این باره و توضیح این تناقض به صفحات بس بیشتر از آنچه که در اختیار من قرار دارد، نیاز دارد.)

داستان "اتحاد" و "واز" را به يك دليل خاصی اینجا نقل کرده ام؛ مبارزه برای پرداخت بموقع دستمزدها! گرچه اتفاقات بعدی و توطئه های مدیریت با همدستی نهادهای کارگری در "واز" در چند سال بعد از اعتصاب ۱۹۹۲ بسیاری از دستاوردهای کارگران را پس گرفت؛ اما يك مزیت مهمی که کارگران "واز" در مقایسه با دیگر کارگران در روسیه از آن برخوردار بودند، و آن نیز حاصل سازماندهی و تلاش های بی وقفه "اتحاد" بود، پرداخت بموقع دستمزد کارگران بود. اشاره به این مسئله از این جهت حائز اهمیت است که بدانیم در روسیه آن دوره (بین سال های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹)، ماه ها و سال ها بخش عظیمی از کارگران بدون دستمزد کار کرده و به ظلم و اجحاف مدیریت و مقامات دولتی در همدستی با اتحادیه های کارگری تن می دادند.

### **مسئله به تعویق افتادن دستمزدها**

همچنانکه بالاتر اشاره شد، مسئله عدم پرداخت دستمزد کارگران در روسیه بین سال های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ به يك نرم تبدیل شده بود. در بسیاری از شرکت ها و کارخانجاتی که زمزمه اعتصاب بر سر پرداخت دستمزدها شنیده می شد، اتحادیه های رسمی و "شورای مجموعه کارخانه" جلو می افتادند که بحران کارخانه و عدم سوددهی را برای کارگران "توضیح بدهند" تا آنها را از اعتصاب و اعتراض منصرف کنند. کارگران مرتب با "اگر کارخانه را برای پرداخت دستمزدها زیر فشار بگذاریم، مجبور به تعطیلی می شود و کارهای مان را از دست می دهیم." مواجه می شدند. آنچه که برای کارگران جا نمی افتاد این بود که تشکل کارگری قرار بود به کارگران قدرت بدهد، نه تخم ترس و ناامیدی در

دلشان بکاردا! در این حول و حوش بود که "اتحاد" در پائیز سال ۱۹۹۴، زمانی که عدم پرداخت دستمزدها داشت دور بر می داشت، اعتصابی ۶ روزه را در یکی از کلیدی ترین بخش کارخانه سازمان داد.

برای اولین بار دستمزدها در ماه فوریه این سال به کارگران "واز" پرداخت نگردید. علیرغم چندین اعتراض در ساعت استراحت نهار، مدیریت هیچگونه زمانی برای پرداخت دستمزدها تعیین نکرد. روز ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۴، در مجمع عمومی کارگران شیفت شب که توسط "اتحاد" سازمان داده شده بود، کارگران رأی به اعتصاب دادند. مجمع عمومی کارگران لیستی از مطالبات کارگران را به تصویب رساند که خواهان پرداخت فوری دستمزدهای به تعویق افتاده - با احتساب تورم این دوره و حداقل بهره بانکی - و همچنین پرداخت به موقع دستمزدها از این ببعد شده بود. دو روز بعد این مطالبات به تصویب جلسه نمایندگان کارگران کل کارخانه رسید. مدیریت خواهان مذاکره، بدون توقف تولید شد که توسط نمایندگان کارگران رد شد و کارگران وارد اعتصابی ۶ روزه شدند. در مذاکره بین نمایندگان کارگران اعتصابی و مدیریت، مدیریت اعلام کرد که در قرداد دسته جمعی با "اتحادیه ماشین سازی ولگا"، اتحادیه به بتعویق افتادن دستمزدها رضایت داده است! کارگران اما این را در مغایرت با قانون اعلام کردند و بر مطالبات خود پافشاری کردند. مدیریت قبول کرد که دستمزدهای کارگران را طی چند قسط بپردازد. گرچه نمایندگان کارگران این پیشنهاد مدیریت را قابل قبول دانستند، اما یکپارچه بر ادامه اعتصاب رأی دادند و خواهان پرداخت دستمزد کارگران در طول دوره اعتصاب و همچنین خواهان ضمانت این شدند که بر علیه رهبران کارگری توطئه چینی نشود. در روز ۳ اکتبر، مدیریت چندین قسمت عمده کارخانه را تعطیل کرد و با کمک نیروهای امنیتی شروع به سرکوب کارگران کرد که در این حادثه دهها نفر از کارگران از کار خود اخراج شدند. اعتصاب در واقع در روز ۱۰ اکتبر به پایان رسید، اما حقوق ایام اعتصاب پرداخت نشد و فعالین کارگری زیادی که در سازماندهی اعتصاب دست داشتند، توبیخ و مجازات شدند. "اتحاد" با هزینه صندوق اعتصاب خود در دادگاه از کارگران اخراجی دفاع کرد و قادر شد تمامی کارگران اخراجی را بر سر کارهایشان بازگرداند و دستمزد روزهای از دست رفته شان را نیز بگیرد. جالب است که خوانندگان ما این موضوع را نیز بدانند که اتحادیه ماشین سازی ولگا صرفا به این خاطر که وکیلش در دادگاه حضور داشت، گرچه لب از لب نگشود، این پیروزی را مدیون خود دانست! با این حال همین وکیل در مصاحبه ای با نشریه مرکزی اتحادیه گفت: "علیرغم رأی دادگاه، همه این کارگران مستحق اخراج بودند!"

از آن زمان تا سال ۱۹۹۹ که مسئله عدم پرداخت بموقع دستمزد کارگران تقریبا حل شد، دستمزد کارگران "واز" سر موقع پرداخت می شد؛ گرچه در سال های ۹۵، ۹۶ و ۹۹ نیز کارگران این کارخانه با دیرکرد در پرداخت دستمزدهایشان روبرو شدند، اما مدیریت سریعا عکس العمل نشان داد و دستمزد کارگران را قبل از اینکه بیش از يك ماه به عقب بیافتد، پرداخت کرد. این يك اقدام تقریبا بی مانند در روسیه آن دوران بود.

اتفاقات بعدی در سرنوشت "اتحاد" و مبارزه کارگران "واز"، به این نوشته ربط چندانی ندارند. "اتحاد" از لحاظ سیاسی مشکل جدی داشت؛ از جمله عدم استقلال در طرح بسیاری از مطالبات کارگرانی که آنها را نمایندگی می کرد. "اتحاد" عضو کنفدراسیونی بود که به دلیل شرکت در طرح "سه جانبه گرائی" و دفاع از سیاستمدارانی که مسئولیت مستقیمی در وضعیت پیش روی داشتند، به مرور زمان جایگاه خود را در میان کارگران از دست داد. اما مبارزاتی را که سازمان داد، برگ درخشانی بتاریخ مبارزه طبقه کارگر روسیه افزود.

## و هفت تپه

گرچه تولید نیشکر در هفت تپه در ایران جایگاه تولید ماشین کارخانه "واز" در روسیه را در اقتصاد این کشور بازی نمی‌کند، اما از لحاظ مبارزات کارگران می‌توان درس‌های اعتراضات کارگران این دو شرکت را با هم مقایسه کرد. هفت تپه تاگلیاتی ایران است از این جهت که کارگران هفت تپه همانند کارگران "واز" در تاگلیاتی اعلام کرده‌اند که مسئله عدم سوددهی شرکت ربطی به کارگر ندارد. که کارگری که کار کرده، دستمزد می‌خواهد. که "کودک گرسنه، وعده حالی نمی‌شه!". کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، عدم پرداخت دستمزدها را تحمل نمی‌کنند. کارگران بی‌اعتنایی از کنار ریش سفیدی و ارباب نهادهای دست‌نشانده مدیریت و دولت رد می‌شوند و به فراخوان فعالین کارگری معتمد خود جواب مثبت می‌دهند.

اما هفت تپه می‌تواند درس‌های زیادی برای کارگران دیگر کشورها، از جمله فعالین "اتحاد" در بر داشته باشد. گرچه کارگران نیشکر هفت تپه دارای تشکل به رسمیت شناخته شده خود نیستند، اما رهبران کارگری و مجامع عمومی کارگری کارگران این شرکت، تمامی کارگران را سازمان می‌دهد. مبارزه کارگران "واز" هیچوقت نتوانست همانند مبارزه کارگران هفت تپه توجه کارگران کل کشور مربوطه را به خود جلب کند و در میان اخبار بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص نداد. این را باید به تفاوت شرایط سیاسی و نقش و قدرت جریان چپ و غیره مربوط دانست که بحث مهم دیگری است که امیدوارم در شماره‌های دیگر کارگر کمونیست به آن بپردازیم. اینجا نمی‌خواهم به آن بپردازم. از این جهات مبارزه کارگران هفت تپه جایگاه ویژه‌ای را در جنبش کارگری دارد. کارگران هفت تپه تفاوت چندانی بین کارفرما و دولت کارفرماها نمی‌بینند. در حالی که "اتحاد" و مبارزاتی را که سازمان می‌داد، فرقی اساسی بین یلتسین و مدیران کارخانه "واز" قائل بود!

### جایگاه مبارزه کارگران هفت تپه

در استفاده از سیاست سرکوب توسط دولت‌ها، اعتراضاتی هستند که سرکوب آنها برای دولت مربوطه بسیار گران تمام می‌شود. اعتراضاتی که در چشم کل جامعه محق‌اند. اعتراض بر علیه عدم پرداخت دستمزد کارگران در صدر این اعتراضات محق قرار دارند. همچنانکه در ابتدای این نوشته گفتم، اکثریت قریب به اتفاق اعتراضات کارگری در چند سال اخیر در ایران، اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها بوده است. جمهوری اسلامی که هیچگونه اعتراضی را تحمل نمی‌کند، در برابر اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها گرچه به لشکرکشی و سرکوب هم بدرجاتی اقدام کرده اما کلاً در مقابل آن درمانده است. اما باز همچنانکه بالاتر مورد اشاره قرار گرفت، اکثر این اعتراضات خودانگیخته و دارای سازمانیافتگی بسیار پائینی بوده‌اند. همین دو نکته این اعتراضات را مقطعی و پراکنده می‌کنند. این اعتراضات پراکنده و غیر سازمان یافته، سوپاپ‌هائی هستند که خشم معترضین را برای دوره‌ای کاهش می‌دهد. آنچه که مبارزه کارگران هفت تپه را از دیگر اعتراضات کارگری در ایران متمایز می‌کند، سازمان یافتگی آن است، که خشم معترضین را وارد مرحله دیگری می‌کند. (این را قبلاً در مبارز کارگران نساجی‌های کردستان و شاهو نیز شاهد بودیم). اما چرا این سازمان یافتگی اهمیت دارد؟!

برخورد رژیم را قبلاً به مبارزات سازمان یافته دیگری از جمله تلاش برای مراسم‌های مستقل اول ماه مه، تلاش

کارگران شرکت واحد برای ایجاد سندیکای خود و غیره دیده ایم. رژیم با تمام وحشی‌گری‌ای که شایسته یک رژیم اسلامی است، با این تلاش‌های کارگران برخورد کرده است. مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه با مبارزه بر سر دستمزدهای پرداخت نشده شروع شد و سریعاً شکل و شمایل دیگری بخود گرفت. این کارگران اکنون خواهان از جمله برسمیت شناخته شدن تشکل خود و لغو پرونده سازی بر علیه فعالین و رهبران کارگری هستند. در عین حالی که مبارزه بر سر دستمزدها و بموقع پرداخت آنها در مرکز صقل مبارزه کارگران هفت تپه قرار دارد، اما همین مبارزات آگاهی طبقاتی‌شان را تا حدود زیادی بالا برده است. مبارزه کارگران هفت تپه جایگاه مهمی نیز در کل جنبش کارگری ایران دارد. این مبارزه راه نشان می‌دهد. دارد به کل جنبش کارگری می‌گوید که اگر می‌خواهید مبارزاتتان حاصلی بدهد، نمی‌تواند مقطعی و ناپیگیر باشد. تجربه مبارزات کارگران هفت تپه باید زیر نورافکن قرار بگیرد و همچنانکه تاکنون پوشش خبری شایسته‌ای گرفته است، همچنان در صدر اخبار کارگری بماند. و مهمتر اینکه مورد حمایت گسترده در ایران و در سطح بین‌المللی قرار گیرد که سرکوب آن برای حکومت هر چه مشکلتر باشد و از نظر سیاسی برای حکومت گران تمام شود.

ناصر اصغری

۲۷ مه ۲۰۰۸

#### توضیح

\* بر این موضوع واقفم که دستمزدها را معمولاً کارفرماها می‌پردازند، و اگر کارفرمائی از پرداخت دستمزد کارگران خودداری کرد، نهادهای قضائی کشور به نفع کارگران رأی می‌دهند و موضوع وارد مرحله دیگری میشود. اما آنجا که دولت مربوطه پشت عدم پرداخت دستمزدهای کارگران قرار گرفت مسئله دیگری است که این مطلب چنین موضوعی را مد نظر دارد.